

درست است که هویدا ممکن بود فاسد و کلبی مسلک باشد، اما به گفته میلانی روشنفکران مخالفش نیز چیزی بیشتر از نیست‌انگارهای شیعه نبودند. هیچکس رجحانی بر دیگری ندارد. همه گناهکاریم.

فصل یازدهم بحث جالبی درباره صعود آخرین گروه ترک‌های جوان عصر پهلوی دارد که داریوش همایون و فرزند فکری او روزنامه‌آیندگان نمونه نهادین آن بود: در اواخر دهه ۱۳۴۰، همایون که تحصیل کرده هاروارد بود، استخدام شد تا بار دیگر «اصلاح‌پذیری نظام پهلوی از درون» را آزمایش کند. برای انجام این کار بود که او با دقت زیاد به تدارک انتشار روزنامه‌ای به کمک هویدا و نصیری رئیس ساواک پرداخت که قرار بود در عین «وفادار بودن به نظام»، «مستقل» هم باشد. اما این تجربه «روزنامه‌نگاری لیبرال» نیز راه به جایی نبرد، چرا که سریعاً شهرتی یافت مبنی بر این که ساخته و پرداخته ساواک و آمریکاست.^{۶۱} داریوش همایون، پس از آن که یکی دوبار به خاطر این که در آغاز کار قدم‌های روزنامه‌نگارانه اشتباهی برداشته بود، مشمول تنبیهات ملوکانه شد، سر موضع آمد و سریعاً در سیستم پیشرفت کرد. او در سال ۱۳۵۶ به وزارت اطلاعات و جهانگردی منصوب شد و به این معنا مستقیماً در برنامه‌های سانسور دخیل بود. به گفته او «... اغلب این خود شاه بود که روزنامه و مجلات را می‌خواند و اگر چیزی در آن می‌دید که خوشش نمی‌آمد، خواستار تنبیه نویسنده آن می‌شد». در عین حال می‌گفت: سیاست هویدا متفاوت بود: «او ترجیح می‌داد زاهی پیدا کند و با روزنامه‌نگاران کنار بیاید. می‌خواست همه را بخرد. معتقد بود همه خریدنی‌اند. مهم فقط این است که قیمت مناسب هر کسی را پیدا کنیم»^{۶۲}

در اوایل دهه ۱۳۵۰ درآمد ایران از نفت شروع به رشد سریع کرد و به همین میزان نیز گرایش‌ات مستبدانه و بزرگ بینانه شاه. بزرگ‌بینی نیم بند وی اکنون به یک خود بزرگ بینی تمام و کمال تبدیل شده بود که دیگر حتی فرصت گوش دادن به مشاورانش را نیز نداشت. در این میان هویدا به نحوی کاملاً وظیفه شناسانه نقش تشریفاتی خود را ایفا می‌کرد تا اعلیحضرت بتوانند با خیال راحت همه چیز را از پشت صحنه هدایت کنند. «مسائل مربوط به سیاست خارجی، نفت و گاز، انرژی اتمی و البته ارتش هیچ وقت در کابینه موضوع بحث قرار نمی‌گرفتند». هویدا خود پیگیر این مطلب بود که کابینه تمامی آنچه را که شاه می‌خواهد تایید کند، به ویژه مسائل مربوط به مخارج نظامی و برنامه انرژی اتمی که شاه به هیچ وجه اجازه بحث در مورد آن را نمی‌داد.^{۶۳} میلانی رابطه شاه با هویدا را به رابطه «حکمران و وزیرش» تشبیه می‌کند: الگویی که یادآور «دیوانسالاری قدیمی فتووالی» بود و به روابط هویدا و وزیرانش نیز تسری می‌یافت. وزرا علاوه بر حقوق ماهیانه‌شان، ماهانه مقادیر زیادی پول از «صندوق مخصوص» نخست وزیر دریافت می‌کردند و گاهی اوقات هم